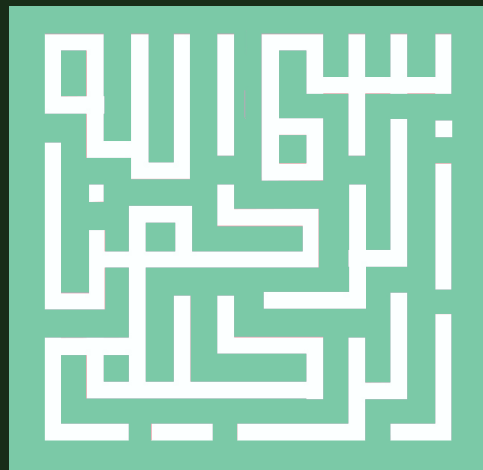


انصاف

فصلنامه دانشجویی حقوق انصاف
زمستان ۱۴۰۲ - شماره دوازدهم





شناسنامه

فصلنامه حقوقی انصاف

زمستان ۱۴۰۲

شماره دوازدهم

صاحب امتیاز:

انجمن علمی حقوق

دانشگاه الزهراء (س)

مدیر مسئول:

فاطمه عموزاده معلم

سر دبیر:

بهاره خلجی

ویراستار:

بهاره خلجی

طراح گرافیک:

مبینا نداف اردستانی

تحریریه:

نگار حاجی‌وند

غزل محمدی‌وش

زهرا ترک بابا رئیسی

فاطمه مقیسه

نازیلا دباغ

۱

مفهوم کرامت انسانی از
دیگاه اعلامیه جهانی حقوق
بشر و اسلام
غزل محمدی‌وش

۵

تقصیر چت جی پی تی بود!
نگار حاجی‌وند

۷

نگاهی بر رژیم مالی زنان
در جمهوری اسلامی ایران و
انگلستان
زهرا ترک بابا رئیسی

۱۰

ویروس ایدز و شروع به
ارتکاب قتل عمد
فاطمه مقیسه

۱۲

بررسی آسیب‌های حقوقی و
اجتماعی ورود اتباع افغان در
کشور ایران
نازیلا دباغ

مفهوم کرامت انسانی از دیدگاه اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسلام

غزل محمدی‌وش



انسان به عنوان اشرف مخلوقات و جانشین خدا در زمین در دین اسلام ارزش والایی داشته و از کرامت و شرافت ذاتی برخوردار است و شایسته مدیر و مدبر بودن بر جهان طبیعت را دارد. مفهوم کرامت انسانی به مثابه یک اصل مهم در اسناد حقوق بشری، فاقد اجماع عمومی بوده و تعاریف مختلفی دارد. اصولی مثل آزادی، برابری، حق توسعه، امنیت و حراست از هسته بنیادین زندگی افراد، کیفیت زندگی و رفاهیات اجتماعی و... از ارکان کرامت انسانی است و از آن جایی که همه انسان ها دارای ارزش و برابری ذاتی هستند شایسته دارا بودن تمام ارزش های والا را صرف نظر از هرگونه تبعیض دارند

مفهوم شناسی کرامت

واژه های کرامت، کریم و کرم از یک خانواده اند و در زبان پارسی به معانی مختلفی همانند بزرگوار، ستوده و گرامی داشته، بخشنده و... آمده اند و در قرآن واژه های مشابه و مشتقات آن همانند کریم فراوان آمده است. بی تردید کرامت انسانی از ویژگی های فطری نهفته در اوست یعنی همان انگیزه های غریزی که به سوی تکامل و اخلاق فاضله و... است

کرامت انسانی را می توان به دو دسته تقسیم بندی کرد. اول، کرامت ذاتی که برخاسته از ویژگی های فطری و طبیعی انسان است؛ ویژگی هایی همچون عقل و توانایی های روحی و جسمی، دوم کرامت اکتسابی که از سعی و توان انسان در جهت کسب توانایی های علمی و عملی نشأت میگیرد

کرامت انسانی در اندیشه های اسلام، غرب و اعلامیه

جهانی حقوق بشر

مفهوم کرامت در سیر تاریخی تفکر غرب چهار معنی با خود به همراه داشت؛ اول برداشت کلاسیک و باستانی از دوران یونان به ارث مانده که به معنای شرافت و حیثیت است. در اندیشه رواقیون، همگان چه شهروندان و چه بردگان دارای کرامت اند و کرامت ذاتی، خالی از قید فرزندی و خرد است. در معنی دوم انسان تصویری از خداست و به این دلیل دارای کرامت و شرافت شده است. در برداشت سوم «کانت» کرامت انسانی را برای همگان به عنوان امر عقلی مفروض می داند. جمله مشهور وی «همیشه با دیگران به عنوان غایت نه به عنوان ابزار رفتار نما» است. برداشت آخر کرامت و شرافت را به عنوان

خصیصه جوهری زندگی و کرامت ثابت در تمام دوران زندگی در اسناد حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی (بند اول) و قوانین اساسی ملی که در قرن بیستم متأثر از نظام بین الملل حقوق بشر نگاشته شده انعکاس یافته است. سیاق اسناد حقوق بشری بدین صورت است که حقوق و آزادی های مذکور در سند را مبتنی بر پایه متقن کرامت انسانی می کنند که این مهم در ماده نخستین سند تصریح می شود. این روش از اولین اسناد تا دوران حاضر ادامه دارد که از جمله آنها میتوان به اسناد نسل چهارم حقوق بشر، اعلامیه جهانی درباره ژنوم انسانی و حقوق بشر و اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر اشاره کرد



توسل به کرامت انسانی به عنوان یک اصل فراگیر و ترکیب آن با حقوق بشر، روشی موثر و عملی برای پیشبرد مسائل انسانی در جهان است. «ویلی مابلو» حقوق بشر و کرامت انسانی را از یکدیگر تفکیک ناپذیر می داند به این معنا که کرامت انسانی پایه و اساس حقوق بشر تلقی می شود مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر ضمن شناسایی کرامت ذاتی تمامی اعضای خانواده بشری و حقوق برابر و انتقال ناپذیر آنها به عنوان اساس آزادی به ایمان دولت های عضو سازمان ملل متحد بر اساس منشور به کرامت و ارزش شخص انسان اشاره شده است. ماده یک اعلامیه آمده است که تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ کرامت و حقوق با یکدیگر برابرند. اعلامیه به نحو موکدی کرامت انسانی را مورد توجه قرار داده و ضمن افزودن قید «ذاتی» به کرامت آن را متعلق به تمامی اعضای خانواده انسانی دانسته و هم چنین آن را مبنای عدالت، آزادی و صلح جهانی دانسته است

در اسلام پیشینه کرامت ذاتی انسان ها به تاریخ بعثت رسول گرامی اسلام (ص) بلکه به لحاظ تاریخی سابقه ای به اندازه تاریخ ادیان آسمانی و توحیدی دارد زیرا کرامت و ارزش ذاتی انسان حقیقتی است که از سوی خالق انسان وحی شده است. کرامت در اسلام عام است و شامل تمام انسانها حتی بردگان سیاه پوست می شود؛ زیرا اولاً تمام آموزه های دینی دال بر کرامت انسان ها از عموم و اطلاق برخوردار است و ثانیاً هر چند پس از اسلام برده داری بود ولی دستور های اسلام درباره بردگان به گونه ای بود که کرامت آن ها حفظ شود و به تدریج برده داری ریشه کن شود. هم چنین سیره علمی ائمه (ع) و بزرگان اسلام در راس آنها رسول خدا نشان از این واقعیت دارد. به عنوان مثال بلال حبشی که سخنگوی رسول اکرم و مؤذن بود، برده سیاهپوستی بود که مقام بسیار بالایی داشت اما او قبلاً برده بود



نظام حقوقی اسلام نظامی واحد و دارای نگرش توحیدی است از این رو مبانی مشروعیت قواعد و مقررات حقوقی چه در داخل کشورهای اسلامی و چه در عرصه بین المللی، اراده و خواست خدای متعال است و به همین دلیل از دستور العمل های فراگیر و جهان شمولی برخوردار است. این دستور العمل ها نظام هایی هستند که فرد را وابسته به هر اجتماعی که باشد، مسئول و متعهد تربیت می کنند و شرایط اجتماعی و نژادی نمی شناسند. نظام حقوقی اسلام منشا الهی داشته و به همین دلیل ایمان منشا صدور نظم حقوقی است

اعلامیه اسلامی حقوق بشر تصریح می کند که بر اساس شریعت اسلام، حقوق بشر ناشی از کرامت و ارزش ذاتی انسان است و امت اسلامی رسالتی جهانی دارد و اگر چه بشریت به مراحل پیشرفته ای در علوم مادی دست یافته، اما نیاز مبرم به ایمان و معنویت برای حمایت از حقوق و تمدن خویش دارد. گفتمان حقوق بشر اسلامی فرصت زندگی بهتر را برای همه انسان ها و ایستادن در کنار هم برای صلح و همزیستی مسالمت آمیز به ارمغان می آورد. حقوق بشر اسلامی دال مرکزی اسلام و بر پایه مفاهیمی همچون اطاعت از خداوند و برخورداری از تقوا و... قابل منصل بندی است؛ بدین ترتیب اصل کرامت اکتسابی نیز می تواند در کنار کرامت ذاتی محور حقوق بشر اسلامی قرار گیرد

نتیجه گیری

درمقایسه محتوای کرامت انسانی از دیدگاه اسلام و اعلامیه حقوق بشر میتوان نتیجه گرفت که مقوله کرامت در غرب بسیار ناقص و کمزنگ و در حد نوشته هایی در اعلامیه ها مطرح شد و هرگز عملی نشد به عنوان نمونه هنگامی که در اعلامیه استقلال آمریکا نوشتند همه انسانها به طور برابر خلق شده اند اما در همان اعلامیه انسانهای سیاه پوست را استثناء کرده بودند. مبانی کرامت انسانی در اسناد حقوق بشری برآمده از فرهنگ و سنت غربی است و کمتر به کرامت اکتسابی و ارزشی در اسناد حقوق بشری توجه شده است. با وجود تاکید اسلام و هم چنین در اعلامیه حقوق بشر اسلامی دستاوردهای چندانی در عرصه عملی جهت جلوگیری یا کاهش تبعیضات نژادی و قومیتی، جنسیتی و... به چشم نمی خورد و امروزه در جای جای دنیای امروز بالاخص جنگ میان مسلمانان و یهودیان شاهد نسل کشی، برده داری کودکان و زنان، رفتارهای غیر انسانی و ظالمانه با اقلیت ها... هستیم. عدم مدیریت این نوع مغایرت ها با کرامت افراد توسط دولت ها و در راس مجامع بین المللی؛ سازمان ملل متحد، منجر به رواج ناامنی و کاهش سطح کیفیت زندگی شهروندان می شود

منابع

- بهنیا فر، احمد رضا، جایگاه کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه حقوق اساسی، سال چهاردهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶
- قربی، سید جواد، کرامت انسانی و حقوق بشر؛ بررسی مقوله کرامت در اسناد بین المللی حقوق بشر، پژوهشنامه حقوق بشری، سال پنجم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۹
- وکیل زاده، حسینی، موثقی، رحیم، سید جعفر، حسن، کرامت انسانی در اعلامیه حقوق بشر و اسلام با تکیه بر اندیشه و اشعار عرفانی امام خمینی (ره)، فصلنامه بهارستان سخن، سال چهاردهم، شماره ۳۵، بهار ۱۳۹۶
- ارغوانی پیرسلامی، دهقان، فریرز، مجتبی، گفتمان حقوق بشر در اسلام: تبیینی از منظر کرامت انسانی، دو فصلنامه علمی-ترویجی حقوق بشر اسلامی، دوره هفتم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
- حبیب زاده، فرج پور اصل مرندی، توکل، علی اصغر، کرامت انسانی و ابتدای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برآن، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵

منابع اینترنتی

- www.hawzahnews.com/news/۲۴۷
- www.mizanonline.ir/fa/news/۴۳۸

تقصیر چت جی پی تی بود!

نگار حاجی وند

حقیقی (انسان‌ها) و شخص حقوقی (جمع اراده‌ی انسان‌ها) محدود می‌شود. بنابراین برای ایجاد تکلیف و مسئولیت بر عهده‌ی یک ربات در اولین مرحله، وجود «شخصیت» ضروری است. واضح است که هوش مصنوعی در طبقه‌بندی اشخاص حقیقی جای نمی‌گیرد! اما درباره‌ی اینکه بتوان آن را جزو دسته‌ی اشخاص حقوقی قلمداد کرد، اتفاق نظری وجود ندارد. زیرا علیرغم اینکه هوش مصنوعی محصول تلاش بشر و نتیجه‌ی اراده‌ی سازندگان و توسعه‌دهندگان آن است؛ اما با توجه به اینکه مجهز به ویژگی‌هایی مثل استدلال خودکار و استقلال در تصمیم‌گیری می‌باشد؛ در مرحله‌ی عمل و استفاده، ردپایی از اراده‌ی سازندگان و توسعه‌دهندگان در آن دیده نمی‌شود و خود ربات بصورت مستقل، اطلاعات را پردازش میکند و بنا به هر مورد، در اختیار کاربر قرار می‌دهد؛ پس نمیتوان آن را برآیند اراده‌ی افراد انسانی دانست و به این واسطه به آن شخصیت حقوقی اعطا کرد!

نظریه‌ی دیگری که در راستای تعیین این مسئولیت موجود است، «نماینده‌گی» می‌باشد. قائلین به این نظر، معتقدند هوش مصنوعی به نمایندگی از صاحبان و سازندگان خود عمل می‌کند و نتیجه می‌گیرند که جبران خسارات وارده از جانب آن، بر عهده شخص اصیل (سازندگان) می‌باشد. اما نمایندگی در جایی استفاده می‌شود که فرد اصیل، با اراده و هدف و رضایت، خواسته‌ای را منتقل می‌کند و اجرای آن را به نماینده می‌سپارد. در حالیکه در ارائه‌ی پیشنهادات و اطلاعات آسیب‌زننده از جانب هوش مصنوعی به کاربران، قصد و اراده‌ی مستقیم سازندگان وجود ندارد!

مثل تمام عرصه‌های علمی، گذر هوش مصنوعی بر کوچه پس کوچه‌های عالم «حقوق» هم افتاد. همگام با توسعه‌ی روز به روز هوش مصنوعی و مجهز شدن آن به حجم زیادتری از اطلاعات؛ چالش‌های این ابزار هم بیشتر شده است و حل کردن این چالش‌ها نیازمند بستر، قواعد و چارچوب‌هایی است که سایر علوم از جمله حقوق، می‌توانند فراهم کنند. یکی از چالش‌هایی که هوش مصنوعی را به حقوق گره می‌زند، بار مسئولیت خسارت و آسیب‌هایی که از جانب آن به افراد وارد می‌شود.



چندی پیش، با یک اتفاقی که در بلژیک افتاد؛ حقوقدانان بیش از پیش به اهمیت ترسیم قواعدی در راستای مسئولیت مدنی و کیفری هوش مصنوعی پی بردند؛ و ماجرایی از این قرار بود که مردی بلژیکی بعد از مکالمات و گفت و گوهای پی در پی با چت جی پی تی، و با استفاده از پیشنهاد و راهکارهای ارائه شده توسط این ربات؛ به زندگی خود پایان داد! و در گفت و گوهای که با اطرافیان و از جمله همسر این مرد انجام شد، مشخص شد آنها این خودکشی را منتسب به چت جی پی تی می‌دانند اما آیا امکان دریافت خسارت و ایجاد مسئولیت‌های مدنی و کیفری برای این ربات وجود دارد؟

همانطور که می‌دانیم در عالم حقوق، برخورداری از حق و تکلیف، نیازمند داشتن اهلیت است و اهلیت شاخصه‌ای است که «اشخاص» دارای آن هستند. و دامنه‌ی اشخاص هم به شخص





عده‌ای دیگر از حقوق‌دانان، بدلیل وجود یک آگاهی و تفکر نسبی در هوش مصنوعی، آن را با فرد مجنون و صغیر مقایسه می‌کنند تا بتوانند از این طریق برای آن مسئولیت حقوقی متصور شوند یا حداقل همانگونه که در مورد مجرورین، جبران ضرر و زیان بر عهده‌ی «ولی» قرار می‌گیرد؛ سازندگان را مسئول فعالیت‌های هوش مصنوعی بدانند و راهی برای جبران خسارت ایجاد کنند. اما مسلماً این مقایسه‌ی بار مسئولیت بین دسته‌ای از انسانها و یک ربات، چندان منطقی بنظر نمی‌رسد

در نهایت و باتوجه به ماهیت هوش مصنوعی و فقدان اهلیت آن؛ مطابق مقررات قوانین مدنی، تجارت، مجازات اسلامی؛ در هنگام ایجاد ضرر از جانب این ربات‌ها، برای اینکه زیان‌ها جبران نشده باقی نمانند؛ سازندگان، توسعه دهندگان و حتی کاربران آن با در نظر گرفتن سهم هر یک و میزان تقصیر و تاثیر آنها، مسئول جبران خسارات دانسته می‌شوند و در صورتی که سهم هر کدام قابل تعیین نباشد، به تساوی مسئولیت دارند

منابع

- Artificial intelligence and the law , Stanford lawyer magazine
- امکان سنجی مسئولیت مدنی هوش مصنوعی عمومی ناشی از ایجاد ضرر در حقوق مدنی، علی ولی‌پور، محسن اسماعیلی
- ماهیت و مبنای مسئولیت مدنی ناشی از هوش مصنوعی در حقوق ایران و کشورهای اتحادیه‌ی اروپا، حانیه ذاکری‌نیا

نگاهی بر رژیم مالی زنان در جمهوری اسلامی ایران و انگلستان

زهرا ترک بابا رئیسی

به استناد ماده ۱۰۸۶ ق.م.ا.گ.ر زن به اختیار خود وظیفه ی زناشویی را انجام دهد و بعداً از تمکین امتناع کند ، ناشزه تلقی شده و نفقه به او تعلق نمی گیرد ولی همچنان حق مطالبه مهریه را دارد

نفقه در قانون مدنی

به استناد ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است و نفقه عبارت است از همه ی نیازهای متعارف مثل مسکن و البسه و غذا و هزینه های درمانی و ...
به استناد ماده ۱۱۱۳ ق.م.ا.گ.ر در عقد انقطاع، زن حق انتفاع از نفقه ندارد مگر اینکا شرط شده باشد یا اینکه عقد بر آن مبنا جاری شده باشد
ماده ی ۱۱۰۸ ق.م.ا.گ.ر هم تصریح کرده است که اگر زن بدون مانع مشروع از وظایف زوجیت امتناع کند ، مستحق نفقه نخواهد بود

ضمانت اجرای عدم پرداخت نفقه

به استناد ماده ۱۱۲۹ ق.م.ا.گ.ر در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم دادگاه ، زن می تواند به دادگاه رجوع کند و با درخواست عسر و حرج و اثبات آن ، حق طلاق خواهد داشت
ماده ی ۱۲۰۶ زوجیه می تواند در هر حال برای نفقه زمان گذشته خود اقامه ی دعوی بنماید و در صورت افلاس و یا ورشکستگی شوهر او بر غرماً مقدم خواهد بود . ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می توانند مطالبه نفقه کنند

طبق نظر امام خمینی ، در صورت امتناع مرد از دادن نفقه ، حاکم می تواند مخارج زن را تامین کند هر چند از این راه ملک زوج را بفروشد البته به شرط نبودن راه های دیگر برای پرداخت نفقه

ضمانت اجرای کیفری عدم پرداخت نفقه

به استناد ماده ۶۴۲ ق.م.ا.گ.ر ، عدم پرداخت نفقه با وجود استطاعت مالی و تمکین زوجیه ، از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس دارد مستند حکم فوق آیه ی بقره است که به موجب آن مجازات فرد معسر و تنگدست ، اخلاقی و انسانی نبوده که خصوص در زندگی زناشویی که اخلاق ضامن بقای خانواده است

امروزه یکی از مسائل مهم و مورد توجه جوامع بین المللی حفظ و رعایت حقوق زنان و تساوی زن و مرد و عدم تبعیض جنسیتی بین آنان است . حال در این قسمت نشریه به بحث درباره ی این سوالات می پردازیم

۱. در جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه به تساوی حقوق مالی و اقتصادی زنان و مردان توجه می شود ؟

۲. آیا منابع فقهی که مبنای بسیاری از مواد قانون مدنی است به این موضوع توجه دارد؟

۳. وضعیت حقوق اقتصادی زنان در انگلستان چطور است؟

جمهوری اسلامی در بند ۹ اصل ۳ ق.ا. یکی از وظایف دولت را ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی دانسته است ؛ ولی علی رغم این تدابیر برخی از قوانین و مقررات جمهوری اسلامی که عمده ی آنها از فقه الهام گرفته است مبین تفاوت بین زنان و مردان است

در ادامه به صورت تطبیقی حقوق زنان را در زمینه های مهریه و نفقه و ارث در ایران و انگلستان بررسی می کنیم

مهریه در قانون مدنی

به استناد ماده ۱۰۸۲ ق.م.ا.گ.ر به مجرد عقد ، زن مالک مهریه می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید بنابراین مهریه از حقوق مسلم زن محسوب می شود و به استناد ماده ۱۰۹۲ ق.م.ا.گ.ر هر گاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق دریافت نصف مهر است و اگر شوهر نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد آن را عیناً یا قیمناً استرداد کند. به استناد ماده ق.م.ا.گ.ر ۱۰۸۵، زن می تواند از ایفا وظایفی که در برابر شوهر دارد امتناع کند تا مهریه او تسلیم شود. طبق نظر رای وحدت رویه (۱۳۸۷/۵/۲۲) دیوان عالی کشور مراتب رای شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر اصفهان (در صورت احراز عسر و حرج زوج دادگاه می تواند حکم تسقیط صادر کند ؛ گفتنی است که این حکم مسقط حق حبس نیست چون حرج و حبس دو مقوله ی کاملاً جداست و بنا به استناد قانون مراد دریافت کل مهریه است

ارث در قانون مدنی

به استناد ماده ۹۵۹ ق.م.ا، ارث بردن حق تمتع وارث است و وارث نمی تواند آن را از خود سلب کند

به استناد ماده ۸۳۷ ق.م.ا اگر کسی به موجب وصیت، یک یا چند نفر از ورثه ی خود را از ارث محروم کند، وصیت مزبور نافذ نیست و به استناد ماده ۸۳۴ ق.م.ا، میزان سهامی که مورث می تواند به نحو وصیت کند، فقط یک سوم ترکه است و نسبت به مازاد آن غیر نافذ است. همچنین آیه ۱۱ سوره نسا، سهم ارث شوهر از زن، دوبرابر سهم الارث زن از شوهر است که معلق بر فوت است. عمده ی فقها علت این تفاوت را به تامین نفقه و پرداخت مهریه توسط شوهر دانستند

حقوق زنان در انگلستان

در سال ۱۸۷۰ به زنان در انگلستان حق قانونی داده شد تا به هر صورت که می خواهند مستقلا در اموالشان تصرف و تصمیم گیری کنند. تا قبل از این زن برای بازکردن و داشتن حساب بانکی و کسب اعتبارات تجاری نیاز به امضای شوهر داشت. با تحولات در قانون خانواده در اواسط و اواخر قرن ۲۰، مشارکت اقتصادی و استقلال مالی زنان بیشتر شد

نفقه در انگلستان

در سال ۱۹۹۶ میلادی با پیمان زناشویی هر یک از طرفین تامین مالی طرف دیگر را متعهد می شود، یعنی در صورت عدم تمکن

مالی زوج، زوجه چنین وظیفه ای دارد و در صورت عدم تمکن مالی طرفین، نهاد امنیتی و اجتماعی و دولت چنین وظیفه اس دارند. (Matrimonial Causes Act. ۱۹۳۷ and Matrimonial and

Family Proceedings Act. ۱۹۸۴)

دادخواست تامین نفقه به دو صورت است؛

۱- تصمیم زن به ترک زندگی مشترک ۲- تصمیم زن و شوهر به متارکه و جدایی

در این موارد دادگاه وضعیت مالی زن و شوهر را از جهت شغلی و میزان درآمد و میزان دارایی مورد بررسی قرار می دهد و تنه زمانی حکم به طلاق می دهد که وضعیت مالی طرفین و فرزندان بر اساس توافق و یا حکم دادگاه روشن و معین شده باشد. (Duckworth. ۱۹۹۱. Hammond Masson and Freeman . No

and Morris. ۱۹۸۸، ۲۹)

چند تفاوت مهم بین پرداخت نفقه در سیستم حقوقی ایران و انگلستان هست؛ اولاً در انگلستان نفقه بعد از طلاق یا در صورت جدایی محل زندگی طرفین پرداخت می شود ولی در قانون مدنی ایران، نفقه در زمانی که زوجین در قید زوجیت باشند و تمکن از سوی زوجه صورت گیرد، زوج ملزم به پرداخت نفقه به زوجه خواهد بود. دوماً در انگلستان اگر زوجه تنها شاغل باشد و تمکن مالی داشته باشد او ملزم به پرداخت نفقه به زوج خواهد بود ولی در صورتی که زوج تنها شاغل باشد چنین وظیفه ای نسبت به زوجه ندارد. در صورتی که در قانون مدنی ایران، نفقه فقط از جانب مرد باید پرداخت شود



در حال حاضر براساس آخرین قانون که در سال ۱۹۹۵ به تصویب رسیده ، سهم الارث زوجه از اموال منقول متوفی ۱۲۵۰۰۰ پوند در صورت بودن فرزند و ۲۰۰۰۰۰ پوند در صورت نبودن فرزند است

تقسیم اموال غیر منقول به این صورت است که زوجه نصف مال غیر منقول زوج را به ارث می برد و باقی اموال غیر منقول متوفی به نسبت مساوی بین دختر و پسر تقسیم مس شود و در صورت نبودن فرزند ، باقی آن به والدین و خواهر و برادر می رسد . (The Law Reform of Succession Act ۱۹۹۵)

فرجام

در حقوق ایران به زنان این فرصت داده شده است تا با کمال آرامش به رسیدگی به امور خانداری و تربیت فرزندان بپردازند و با پرداخت مهریه و نفقه به زن آنها از استقلال مالی برخوردار خواهند بود . هر چند آنها می توانند شغلی که در شان باشد ، داشته باشند و تمام درآمدشان هم متعلق به خود آنها خواهد بود

در حالی که در قانون انگلستان در راستای تحولات روزافزون در جهت توسعه ی تساوی آزادی و حقوق زن و مرد ، بعد از ازدواج ، هیچ یک بر دیگری برتری ندارند و تا زمانی که هر دو شاغل و سطح درآمد یکسانی دارند ، مشکل ایجاد نمی شود ؛ ولی در مواردی که تنها مرد شاغل باشد، تامین مالی زن بر عهده ی مرد نخواهد بود ولی در حالتی که تنها زن شاغل باشد ، او مکلف به تامین مخارج مالی منزل و شوهر و فرزندان خواهد بود و موجب سواستفاده اقتصادی زوج از زوجه می شود . در چنین جامعه ای که زن قانونا مورد حمایت اقتصادی مرد نبوده و رفع نیازهای جنسی ؛ آزادانه و بدون هیچ قید و بندی است، آیا دیگر هیچ ضرورتی برای ازدواج و ضرورت تشکیل خانواده احساس میشود؟!!!

منابع

- آیه ۲۳۳ سوره بقره
- امام خمینی ره ۱۳۶۸ ج ۲ ص ۱۳۰۶
- رای وحدت رویه، ۷۰۸ . ۱۳۸۷.۵.۲۲ دیوان عالی کشور مراتب رای شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر اصفهان
- رای وحدت رویه ۷۱۸: ۱۳۹۰.۲.۱۳ ردیف ۱۸.۸۹ دیوان عالی کشور رای شعبه ۵ دادگاه تجدید نظر استان لرستان
- رستمی تبریزی، ملیا، مقاله رژیم مالی خانواده در قوانین ایران و انگلستان پرتال جامع علوم انسانی ، مطالعات راهبردی زنان ۱۳۸۵ شماره ۳۱
- قانون اساسی اصل ۳ بند ۹
- قانون مجازات اسلامی مواد ۶۴۲ و ۶۴۳
- قانون مدنی مواد ۱۰۸۲ و ۱۰۸۵ و ۱۰۹۲ و ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ و ۱۱۰۸ و ۱۱۱۳
- (ضمانت اجرای پرداخت نفقه) ۱۲۰۵ و ۱۲۰۶ و ۱۱۲۹
- (ارث) ۸۳۴ و ۸۳۷ و ۹۵۹
- Matrimonial Causes Act. ۱۹۳۷ and Matrimonial and Family Proceedings Act. ۱۹۸۴
- Duckworth. ۱۹۹۱ and Freeman . Hammond Masson and Morris.No ۲۹, ۱۹۸۸)

HIV AIDS



انتقال ویروس ایدز و شروع به ارتکاب قتل عمد

فاطمه مقیسه

ایدز یا سندروم نقص ایمنی اکتسابی، نوعی بیماری است که با ورود ویروس و حمله به دستگاه ایمنی توسط ویروس نقص ایمنی انسانی (HIV) ایجاد می‌شود. عواملی که باعث ورود ایدز به بدن می‌شوند عبارت‌اند از عمل جنسی محافظت نشده، داشتن یک بیماری آمیزشی دیگر، در اشتراک قرار دادن سوزن، فرایند های پزشکی که مرتبط با برش یا نفوذ غیر استریل باشند و تجربه میزل استیک. حال اینکه کسی که انتقال دهنده ویروس ایدز می‌باشد میتواند تحت عناوینی، تحت تعقیب قرار گیرد چرا که فرد آلوده شده، به مرور دستگاه ایمنی اش دچار اختلال شدید میشود و در نهایت میتواند باعث مرگ او شود. حال اینکه فرد آلوده کننده مجرم است یا خیر، در وهله اول با در نظر گرفتن جواب مثبت، تحت چه عنوان قابل تعقیب است و در وهله دوم ارکان آن عنوان به چه صورت است؟

با توجه به اینکه نتیجه حاصل از انتقال بیماری ایدز، یک روند طولانی مدت را طی می‌کند و حتی مرگ هم که یکی از نتایج آن می‌باشد، بلافاصله حاصل نمیشود و نمیتوان جرم تام را با توجه به این چالش برای جانی در نظر گرفت. از طرفی یکی از تفاوت های مهم جرم عقیم با شروع به جرم این است که در جرم عقیم تمامی مراحل جرم انجام شده و فقط نتیجه ای که خواست جانی بوده، محقق نشده است ولی در شروع به جرم، اعمال جانی به همان اعمال اجرایی باقی می‌ماند و نتیجه به خاطر دخالت عامل خارجی به دست نمی‌آید، حال اینکه وضعیت جانی انتقال دهنده شباهت بیشتری به این مورد دارد، پس میتوان در قالب شروع به جرم آن را بررسی کرد

در رابطه با مرگ حاصل از ویروس ایدز که رابطه سببیت با آن دارد، میتوان گفت اگر جانی سوء نیت خاص در رابطه با آن جرم داشته باشد و نتیجه (مرگ) را بخواهد، کار او شروع به قتل عمد می‌باشد و اگر در رابطه با جرم ارتكابی، سوءنیت خاص نداشته باشد و این قصد در رابطه با نتیجه جنایت، احراز نشود، میتوان آن را شروع به قتل شبه عمد دانست (به استناد ماده ۶۱۳ ق.م.ا و همچنین است نظریه مشورتی قوه قضاییه شماره ۷/۴۶۶ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۷) حال باید در نظر بگیریم که نمیتوان صرفاً به دلیل عدم احراز سوءنیت خاص، قتل عمد را به طور کلی در رابطه با جانی منتفی دانست چرا که با توجه به ماده ۲۰۶ ق.م.ا اگر فرد آلوده کننده به جرمی که انجام میدهد آگاه باشد و عالماً و عامداً، مجنی علیه را آلوده به ویروس کند، نمیتوان او را به دلیل اینکه فقط سوءنیت عام داشته و مرگ مجنی علیه مورد نظر وی نبوده، عمدی بودن قتل را به طور کامل از آن سلب کرد، زیرا انتقال این ویروس با توجه به یک روند تقریباً طولانی مدت، می‌تواند نوعاً کشنده باشد (بند ب ماده ۲۰۶) و جانی می‌تواند نتیجه آن را پیش بینی کند و وقوع آن را احتمال دهد، کار او دیگر به خطا یا تقصیر شباهت ندارد و جرم عمد در رابطه با آن قابل ملاحظه تر است، هر چند از دیدگاهی دیگر میتوان سوءنیت احتمالی را برای او در نظر گرفت

از این رو می‌توان گفت اگر انتقال ویروس ایدز، به قصد قتل شخص باشد، یا با آگاهی نسبت به عملکرد تدریجی ویروس ایدز در خصوص بروز صدمات آن باشد، تا قبل از حصول نتیجه مزبور می‌توان گفت که نوعی شروع به جرم کامل، صورت گرفته است. حال اینکه این رفتار با توجه به ماده ۶۱۳ ق.م.ا قابل مجازات است و مجرم به شش ماه تا دو سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد جدای از شروع به جرم قتل، اگر انتقال ویروس ایدز در سطحی گسترده و فارغ از بزه‌دیده‌ای خاص انجام شود، چه بسا بتواند با توجه به ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی، عناوین مجرمانه دیگر مثل محاربه و افساد فی الارض را هم به خود بگیرد اگر عنوان قتل عمد به جانی قرار بگیرد اما مشخص شود که مرگ مجنی علیه، رابطه‌ی سببیت با ایدز و انتقال ویروس نداشته، قصاص و دیه برای جانی منتفی می‌شود. هر چند نمی‌توان آگاهی و رضایت مجنی علیه بر انتقال یا آلوده بودن طرق آن، دلیلی بر مشروعیت عمل دانست و از اسباب اباحه عمل مجرم به شمار آورد و رفتار مجرمانه وی را بدون عقاب واگذارد پس در حال حاضر یکی از مواردی که می‌تواند برای ارتکاب جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص در نظر گرفت، انتقال ویروس ایدز می‌باشد. با توجه به اینکه از زمان آلوده شدن بدن تا هنگام وقوع سنگین‌ترین نتیجه آن یعنی مرگ قربانی، ممکن است مدت زمان بسیار زیادی طول بکشد و در پی آن، شروع به جرم قتل عمدی را در نظر گرفت. از طرفی تمامی مراحل جرم نیز انجام شده است و ارکان آن هم کامل می‌باشد لذا نتیجه آن بلافاصله محقق نمی‌شود که این با انتظار جانی متفاوت می‌باشد و اراده وی دخیل نیست



منابع

مقاله انتقال ویروس ایدز و شروع به ارتکاب قتل عمد، ابراهیم تقی زاده، محمد علی طاهری و علیرضا امام دادی، شماره ۲، زمستان

۱۳۹۱

بررسی آسیب های حقوقی و اجتماعی ورود اتباع افغانی در کشور ایران

نازیلا دباغ

ازدواج، کار و تحصیل آنها به صورت غیرقانونی انجام می شود. افراد هنجارشکن در هر گروه و طبقه ای وجود دارد. مهاجران افغانستانی نیز از این امر مستثنی نیستند اگر مهاجر که به صورت غیرقانونی در یک کشور ساکن است، جرمی مرتکب شود، به راحتی می تواند اقدام به خروج از آن کشور کرده و بررسی و پیگیری آن برای دستگاه قضایی مشکل است و این خود زمینه افزایش جرایم را در یک کشور فراهم می کند

برخی از افرادی که به صورت غیرقانونی در کشور حضور دارند برای ماندن در ایران اقدامات مختلفی انجام می دهند، که از جمله این اقدامات خرید شناسنامه افراد ایرانی است

حضور مهاجرین افغان در ایران، به عنوان یک پدیده چند دهه ای، همواره با چالش ها و فرصت هایی همراه بوده است. در حالی که این مهاجرین سهم بسزایی در اقتصاد و فرهنگ ایران ایفا کرده اند، برخی نگرانی ها در خصوص خطرات امنیتی احتمالی آنها نیز وجود دارد.

مشکلات حقوقی و قضایی مهاجرین غیر قانونی

حضور غیرقانونی مهاجران افغانستانی در درجه اول به معنای زیر پا گذاشتن قوانین ایران است، چون از همان ابتدا قوانین حقوقی مربوط به اقامت ورود را رعایت نکرده اند. همین سکوت غیرقانونی، زمینه چالش های حقوقی دیگری را فراهم می کند که اول از همه، زمینه قانون شکنی های دیگر را تسهیل می کند



جعل هویت در بین برای بدست آوردن حقوق شهروندی

این امر باعث ایجاد قاجاق شناسنامه شده و به دنبال آن مهاجرین دارای حقوق شهروندی می‌شوند. گفتنی است که این شناسنامه‌ها بیشتر شامل شناسنامه افراد متوفی، شناسنامه مفقودی، المثنی و ... است

همچنین برخی از مهاجران افغانستانی جهت امرار معاش دست به مشاغل غیرقانونی می‌زنند. دست‌فروشی، دوره‌گردی، خرید و فروش البسه دست دوم، فروش سی‌دی‌های غیرمجاز و حتی دخالت در امر قاجاق مواد مخدر از جمله این مشاغل غیرقانونی است

بنابراین حضور غیرقانونی برخی از مهاجران افغان بر دستگاه‌های حقوقی ایران، هزینه‌هایی اقتصادی و فرهنگی تحمیل می‌کند و سبب اتلاف وقت دستگاه قضایی در این امور می‌شود

علاوه بر موارد گفته شده، برخی از قوانین موجود جوابگوی نیازها و واقعیت‌های ایجاد شده نیست و تصویب قوانین و مقررات دیگر در حوزه تابعیت، ازدواج و اشتغال آنان ضرورت دارد همچنین مهاجرانی که به صورت غیرقانونی ساکن هستند، نمی‌توانند برای احقاق حقوق خود اقدام کنند، ممنوعیت آنها از تحصیل و بسیاری از امور دیگر از مهمترین آنها است. این در حالی است که گروه‌هایی که به صورت قانونی ساکن هستند از بسیاری از حقوق برخوردارند



ایجاد برخی مسائل در حوزه اشتغال

کارگران افغان، در طول بیش از دو دهه، عرضه نیروی کار ایران را افزایش دادند، به همین جهت طی این دوره افزایش دستمزد کارگران غیرماهر - به ویژه در بخش ساختمان که کارگران افغان در آن سهم بالایی دارند - بسیار کند بوده است

نتایج محاسبات نشان می‌دهد که کارگران افغانستانی در استان‌های نسبتاً پر رونق ایران مثل تهران، اصفهان، خراسان و ... مشغول به کار شده‌اند که تقاضا برای نیروی کار ساده در آنها بالا بوده است

هر چند حضور کارگران افغان در برخی از استان‌های ایران سبب افزایش نرخ بیکاری، در نقاط شهری و روستایی این استان‌ها نشده، اما نرخ بیکاری در کل کشور بالا رفته است. مهاجران افغان که به صورت غیرقانونی در ایران ساکن هستند، ناگزیرند کارهای دشوار را با دستمزدهایی نسبتاً پایین انجام دهند، آنها نمی‌توانند از شرایط بد یا ساعات طولانی کار شکایت کنند، از این رو بسیاری از کارفرمایان ترجیح می‌دهند که به جای کارگران ایرانی، افغانستانی‌ها را استخدام کنند

در کل کارگران افغانستانی با افزایش عرضه نیروی کار، سبب کاهش دستمزد کارگران غیرماهر شده‌اند. به عبارت دیگر حضور افغان‌ها در بازار کار ایران، به نفع کارفرمایان و به زیان کارگران غیرماهر ایرانی بوده است

زمانی که دستمزد در برخی از مشاغل کاهش یابد، کارگران بومی گرایشی به آن مشاغل نشان نمی‌دهند ولی مهاجران بیشتر به سمت چنین فعالیت‌هایی می‌روند البته برخی از این مهاجران توانسته‌اند به استادکاران ماهر در کلیه امور ساختمان‌سازی تبدیل شوند

مسئله تابعیت کودکان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و

مردان افغانستانی

یکی از مهمترین چالش‌هایی که حضور غیرقانونی افغان‌ها به دنبال داشته، این است که آنها اغلب به ازدواج با زنان ایرانی اقدام کرده‌اند

مطابق موازین قانونی ایران، تنها زمانی آثار قوانین و مزایای اجتماعی ناشی از ازدواج بیگانه، با زن ایرانی حاصل می‌شود که روند مشخص شده در قوانین جمهوری اسلامی ایران در رابطه با چنین ازدواج‌هایی طی شود

اغلب این افراد زمانی که با دختران ایرانی ازدواج کرده‌اند هیچ یک از مراحل قانونی را که برای ازدواج اتباع بیگانه با بانوان ایرانی در نظر گرفته شده اجرا نکرده‌اند



و پرداخت نفقه، نامشخص بودن وضع حضانت و قیومیت فرزندان در صورت فوت زوج یا زوجه یا هر دو، بلا تکلیفی وضع هویتی فرزندان آنان، پیگیری نکردن مسائل حقوقی و اقامه دعوی از سوی زوجه علیه زوج به سبب ثبت نشدن ازدواج، از جمله مشکلاتی است که برای این دسته از زنان ایجاد شده و طبیعی است که پیامدهای فرهنگی و اجتماعی بسیاری به دنبال دارد

محرومیت از تحصیل و عدم بهره‌مند شدن از بسیاری از حقوق اولیه از جمله حقوق اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و سیاسی زنان ایرانی و فرزندان آنها نتیجه عدم رعایت قوانین در انجام چنین ازدواج‌هایی است و این مسئله نه تنها آینده فرزندان را تهدید می‌کند بلکه برای کشور نیز آسیب‌های جدی به دنبال دارد، حال چه در ایران ساکن باشند و چه در افغانستان

البته لازم است که دولت و سایر دستگاه‌های مربوط در مواجهه با این گروه از زنان و کودکان انعطاف بیشتری نشان دهد و به گونه‌ای عمل کند که زنان ایرانی نیز دچار آسیب نشوند

این ازدواج‌ها به صورت قانونی در دفاتر اسناد رسمی ایران به ثبت نرسیده است؛ بنابراین هر چند که چنین ازدواجی شرعی است و نمی‌توان آن را باطل اعلام کرد آثار قانونی و حقوقی را که در اثر عقد ازدواج برای زوجین یا فرزندان آنها پدید می‌آید، نمی‌توان در خصوص این افراد و فرزندان آن‌ها جاری و قابل اجرا دانست. مقدمه ضروری جهت اثبات ولادت طفل، ثبت ازدواج والدین وی است

تابعیت بزرگترین معضل مهاجرت

این امر در مواردی که پدر طفل، غیرایرانی باشد، دارای اهمیت بیشتری می‌شود. در اجرای ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، ازدواج اتباع خارجی با زنان ایرانی باید اطلاع دولت باشد و اجازه مخصوص دولت ایران برای ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی لازم است فرزندان زن ایرانی که به واسطه ازدواج با مرد خارجی، تابعیت ایرانی خود را از دست داده، از داشتن شناسنامه ایرانی محروم خواهند شد و تبعه کشور متبوع پدر محسوب می‌شوند نداشتن تابعیت فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها، نبود ضمانت‌نامه قانونی و رسمی برای پابندی زوج به ادامه زندگی

آسیب‌پذیر شدن امنیت مناطق مرزی

ورود و خروج غیرقانونی مهاجران ، سبب پایین آمدن ضریب امنیت در مرزها می‌شود و مشکلات امنیتی و سیاسی بسیاری برای کشور ایجاد می‌کند

علاوه بر این گسترش هرج و مرج در مرزها کنترل مرزها را دشوارتر کرده و دولت می‌بایست هزینه زیادی برای تأمین امنیت این مناطق بپردازد

مسئله دیگری که ورود و خروج غیرقانونی این مهاجران به دنبال دارد این است که اغلب این افراد مخفیانه و به صورت قاچاقی و غیرقانونی وارد ایران می‌شوند و مسئله قاچاق انسان را ایجاد می‌کنند

علاوه بر این، مهاجرت غیرقانونی به عنوان فعالیت سودآور مطرح می‌شود . مهاجرت غیرقانونی توسط باندهای تبهکار ، سازمان‌دهی می‌شود . باندهای مستقر در خارج ، این کار را به یک فعالیت تجاری بسیار منطقی و منظم تبدیل کرده‌اند

حاشیه نشینی

از جمله تبعات منفی حضور غیرقانونی افغان‌ها در ایران ، گسترش حاشیه‌نشینی در شهرهای مختلف است

از جمله دلایلی که باعث شده آنها حاشیه شهرها را انتخاب کنند ، وجود منازل مسکونی با اجاره‌بهای کمتر از نقاط مرکزی شهر، دور بودن از قوانین و مقررات سختگیرانه حاکم در مرکز شهر ، اشباع نقاط مرکزی شهر از جمعیت و ... بوده است

اغلب این مهاجران به دلیل فقر به حاشیه‌نشینی روی آورده‌اند که این امر نه تنها سبب ایجاد چشم‌اندازهای نامناسب در شهرها می‌شود بلکه در این مناطق امکانات بهداشتی در سطح بسیار پایینی است که برای خود مهاجران نیز مشکلات بسیاری ایجاد می‌کند

تغییر در ساختار و ترکیب جمعیت

برخی از تبعات منفی حضور غیرقانونی افغان‌ها ناشی از سبک زندگی متفاوت خانواده‌های افغانستانی و ایرانی است. به عنوان مثال سن ازدواج در بین جوانان ایرانی بالا رفته، خانواده‌ها اغلب تمایل به داشتن یک یا دو فرزند دارند و علاوه بر اینها آمار طلاق در بین خانواده‌های ایرانی بالاست در مقابل اغلب افغان‌ستانی‌ها به ارزش‌های خانواده‌های مهاجر افغان ، شاهد ازدواج‌های زود هنگام دختران و پسران ، گرایش به داشتن فرزندان بیشتر و منفی دانستن پدیده طلاق هستیم و در صورتی که روند حضور غیرقانونی مهاجران افغان کنترل نشود ، ممکن است در سال‌های آینده در ترکیب جمعیتی کشور مؤثر شود



مسائل فرهنگی

سطح پایین سواد و آموزش و آگاهی عمومی مهاجران افغان ، بی‌شک تبعات منفی بسیاری برای کشور و به ویژه شهرهایی که این افراد در آنجا سکونت دارند به دنبال دارد

نه تنها مسئله نداشتن تابعیت مهاجران غیرقانونی سبب بی‌سوادی گسترده در بین آنها شده است ، بلکه مسائلی همچون عدم تأمین امکانات تحصیل فرزندان ، فقر اقتصادی و ضرورت اشتغال همه افراد خانواده و جابه‌جایی زیاد از شهری به شهر دیگر سبب شده است این گروه از مهاجران نتوانند از سواد و آموزش مناسبی برخوردار شوند

تبلیغات وهابیت در بین مهاجرین

این مسئله زمانی اهمیت می‌یابد که اغلب مهاجران افغان در شهرهای مرزی ایران همچون سیستان و بلوچستان زندگی می‌کنند و از آنجا که در این شهرها دستگاه‌های تبلیغاتی وهابیت فعال است ، این امر می‌تواند پیامدهای منفی بسیاری برای این مهاجران و ساکنان شهرهای مرزی به دنبال داشته باشد تبعات منفی حضور غیرقانونی افغان‌ها تنها به حوزه داخلی محدود نمی‌شود بلکه در حوزه بین‌المللی نیز پیامدهای منفی برای کشور به همراه داشته است

حقوق بشر به دلایل مهاجرت توجه ندارد

نهادهای حقوق بشر غربی بدون توجه به سابقه طولانی حضور افغانها در ایران و بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور در گزارشهای حقوق بشری چنین ادعایی را مطرح می‌کنند

آنها مسئله عدم تابعیت کودکان را از موارد نقض حقوق بشر توسط ایران دانسته و بدون کوچکترین اشاره به اینکه مسبب اصلی این امر ایالات متحده و اشغال نظامی افغانستان توسط آمریکا بوده است، ایران را متهم به نقض حقوق کودکان و زنان کرده‌اند

هر چند قوانین داخلی در حوزه مسائل مربوط به ازدواج زنان با مردان افغان نیاز به بازبینی دارد اما باید به این نکته اشاره داشت که مسئله بی‌تابعیتی کودکان در درجه اول نتیجه نقض و نادیده گرفتن قوانین کشور بوده است و در صورتی که در مراحل اولیه ازدواج شرایط قانونی رعایت می‌شد، چنین پیامدهایی را به دنبال نداشتند

علاوه بر گزارشهای حقوق بشری، در اغلب متون غربی نیز ایران را به نژادپرستی و پاکسازی قومی متهم کرده‌اند این در حالی است که طی سالهای بسیاری، مهاجران افغان در کنار مسلمانان ایران با حقوقی مطلوب زندگی کرده و کشور ایران پس از تغییر شرایط و فراهم شدن نسبی زندگی در افغانستان، مهاجران افغان را به ادامه زندگی در کشور خود ترغیب کرده است

مهاجرین غیرقانونی از احقاق حقوق محروم هستند

البته حضور غیرقانونی افغانها موضوعی نیست که پیامدهای آن تنها دامن کشور و دولت ایران را بگیرد بلکه در درجه اول خود افغانها از حقوق بسیاری محروم می‌شوند و علاوه بر این توانایی احقاق حقوق خود را ندارند

به نظر می‌رسد که بازگشت افغانها و مشارکت آنها در بازسازی افغانستان و حل مشکلات این کشور در شرایط فعلی نه تنها در امنیت و آرامش خود مهاجران مؤثر خواهد بود، بلکه ثبات و امنیت در افغانستان، بی‌شک در گسترش امنیت کشورهای منطقه تأثیر زیادی خواهد گذاشت، به ویژه افغانها روحیه سخت‌کوشی و بردباری بسیاری دارند و این ویژگی‌ها در مواجهه با مسائل داخلی و تلاش برای مرتفع کردن آنها کمک بسیاری خواهد کرد

یکونیم میلیون نفر در ایران غیر قانونی حضور دارند

گفته می‌شود در حال حاضر تقریباً یک و نیم میلیون نفر در کشور به صورت غیرقانونی ساکن هستند اگر به این تعداد، مهاجران قانونی و مهاجران افغان ساکن در پاکستان را هم اضافه کنیم تعداد قابل توجهی خواهند بود که مسلماً در حل بسیاری از مسائل ایران افغانستان نقش مهمی ایفا خواهند کرد

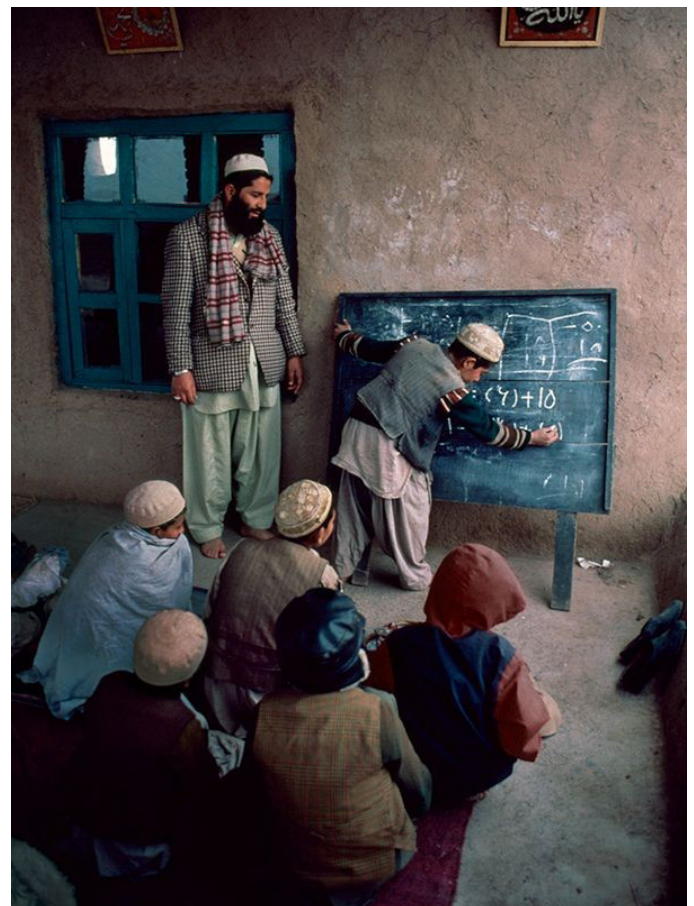
البته در این مسیر نخبگان دانشگاهی و حوزوی افغانستانی که در ایران تحصیل کرده‌اند نقش مهمی خواهند داشت و با سازماندهی افغانها و ترغیب آنها برای بازگشت به وطنشان می‌توانند نقش مهمی در تعیین سرنوشت خود ایفا کنند در هر حال مسئله حضور غیرقانونی افغانستانی‌ها موضوعی است که حل آن نیازمند همکاری دولت ایران و افغانستان و همچنین سازمانهای غیردولتی است و باید با رعایت حسن همجواری در بازگشت افغانها به کشورشان تلاش کرد

نتیجه گیری

حضور مهاجرین غیرقانونی در ایران، معضلی پیچیده و چندوجهی است که حل آن نیازمند عزم و اراده ملی و همکاری بین‌المللی است. توجه به حقوق و نیازهای مهاجرین و اتخاذ تدابیر مناسب برای ساماندهی و شناسایی آن‌ها و جلوگیری از ورود غیر قانونی

منابع

علی پور، عباس، سعادت جعفرآبادی، حسن، و دهقانی فیروزآبادی، جلیل. (۱۳۹۶). شناخت و تحلیل پیامدهای امنیتی ناشی از حضور اتباع بیگانه افغانی در استان یزد. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۱۸(۵)، ۷۹-۱۰۸.





@anjomanealz



@alz_law_community



alzlawassociation@gmail.com